خبر

اکران «شور عاشقی» از هفته آینده

فیلم سینمایی «شور عاشقی» که روایت کاروان اسرای کربلا از کوفه تا شام است، ویژه ایام محرم و صفر از هفته آینده در سینماهای سراسر کشور اکران می‌شود. این فیلم سینمایی به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی داریوش یاری از چهارشنبه ۱۳ تیر توسط پخش بهمن سبز در سینماهای سراسر کشور اکران می‌شود. در خلاصه داستان شور عاشقی که ویژه ایام محرم و صفر در سینماهای سراسر کشور اکران می‌شود، آمده است: سلما باید صدای کاروان اسرای کربلا شود تا جای راست و دروغ در تاریخ عوض نشود و...

شور عاشقی که محصول مشترک بنیاد سینمایی فارابی و بنیاد شهید و امور ایثارگران است در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر توانست سیمرغ بلورین بهترین فیلم بین‌الادیانی را از آن خود کند. همچنین پوستر شور عاشقی را محمد روح‌الامین طراحی کرده است. عوامل

این فیلم عبارتند از: نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان: داریوش یاری/ بازیگران: شهره موسوی، پیام احمدی‌نیا، مهدی زمین‌پرداز، سیامک صفری، نادر فلاح، علیرضا استادی، بهزاد دورانی، بهرام ابراهیمی، بابک والی، رضا خدادادبیگی، میترا خواجه‌ئیان، روحا... مهرابی، هادی آقاحسینی، مرتضی آقاحسینی، مرجان شکوفکی، پانته‌آکیقبادی، مریم آهنگر و....

چرا سینمای ایران زندگی و منش شخصیتی چون شهید بهشتی را برای مردم تبیین نمی‌کند؟

چهره‌های تاریخ‌ساز در صف سینمای ایران

امیرحسین حیدری
گروه فرهنگ و هنر

بدون شک هیچ انقلابی بدون بزنگاه‌های تاریخی و افراد تاثیرگذار به ثمر نمی‌رسد، افرادی که توانایی ذاتی رهبری و راهنمایی افکار عمومی را دارند و در راه باورهای خود چیزی مانع‌شان نمی‌شود. روند طبیعی هر انقلابی به این شکل است که وقتی به پیروزی می‌رسد رهبران، افراد تاثیرگذار و وقایعی که منجر به وقوع انقلاب شده خود را محترم می‌شمارد و به طرق مختلف هنری مانند کتاب، نمایش، فیلم، مستند، سریال و... آنها را تکریم می‌کند که نمونه‌های آن را می‌توان در سراسر جهان دید اما در سینمای کشور آن‌قدر که باید و شاید به شخصیت‌های تاثیرگذار در وقوع انقلاب پرداخته نشده است.

اصلا چه اهمیتی دارد؟

شاید سوالی که در این میان پیش بیاید این باشد؛ واقعا ساختن فیلم‌هایی با چنین موضوعاتی چه اهمیتی دارد؟

در پاسخ به چنین سوالی می‌توان گفت امروزه گروهی از مردم به‌خصوص نسل جدید از نظر سنی وقایع ابتدای انقلاب را به چشم ندیده‌اند و گروهی نیز به‌دلیل تبلیغات ضدانقلاب و کم‌کاری نیروهای انقلابی، از نظر فکری قرابت چندانی با انقلاب اسلامی و مفهوم انقلاب ندارند. این گروه‌ها، باید با شخصیت‌ها و بسترهای شکل‌گیری انقلاب آشنا شوند تا به واقعیت مفهوم انقلاب اسلامی پی ببرند اما این آشنایی خود ابعاد گوناگونی را شامل می‌شود که مهم‌ترین آنها هویت‌شناسی، آشنا کردن نسل جدید با الگوها و قهرمانان ملی و آشنایی با جریان نفوذ است و این کار جز از طریق تبیین درست انقلاب و رویدادهای آن ممکن نیست. به‌خصوص این‌که ابعاد مختلف مبارزه‌های سیاسی شخصیت‌های تاثیرگذار در پیروزی انقلاب و سال‌های ابتدایی پیروزی به‌خصوص دهه پرآشوب ۶۰ مملو از داستان‌های بکر و پرکششی است که تا به امروز کمتر کسی به آنها پرداخته است.

هم شخصیت هم موقعیت تاریخی

به‌عنوان مثال یکی از وقایع مهم تاریخ انقلاب اسلامی واقعه بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی است که به شهادت سیدمحمد حسینی بهشتی و هفتاد و دو تن از یارانش منجر شد. حادثه‌ای که نه‌فقط خود به‌تنهایی دارای ظرفیت‌های سینمایی برای پرداختن به‌آن است، بلکه شخصیت شهید بهشتی به‌واسطه ابعاد وسیع مبارزاتی و مناصبی که پس از انقلاب داشته، دارای ظرفیت‌هایی است که می‌تواند او را به سوژه آثار سینمایی با موضوعات مختلف تبدیل کند اما متاسفانه تا به‌حال به چنین موضوعات راهبردی‌ای در سینما که بستری پرطرفدار است زیاد پرداخته نشده.

مهم اما کم اهمیت

هویت و هویت‌سازی در سینما یکی از بنیان‌های این صنعت سرگرمی به‌حساب می‌آید و نقش مهمی در فرهنگ عمومی جامعه ایفا می‌کند. این مفهوم در کشورهایی که در تاریخ معاصر خود انقلاب داشته‌اند اهمیتی دوچندان دارد، به‌خصوص کشوری مانند ایران که انقلاب اسلامی آن یک انقلاب فرهنگی بوده و نسبتی نزدیک با مفهوم هویت و هویت‌سازی دارد. هویت‌شناسی در واقع یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی است که در سینما به آن خیلی کم پرداخته شده؛ در حالی که اهمیت این موضوع از آن روست که می‌تواند در جهت هویت‌شناسی به جوان ایرانی کمک کند تا متوجه شود انقلاب از چه گلوگاه‌هایی عبور کرده است.

حادثه هفتم تیر به‌عنوان یکی از گلوگاه‌های تاریخی در مسیر انقلاب از آن وقایعی است که می‌توان گفت کشور را با بحرانی جدی روبه‌رو کرد هم از این جهت که در این حادثه یکی از شخصیت‌های مهم نظام به شهادت رسیده بود و هم از این نظر که جریان نفوذ در زمان رویداد این حادثه و پس آن از فعال شده بود. با این حال در دنیای سینما آن‌طور که باید و شاید به چنین حادثه‌ای پرداخته نشد و جز چند اشاره مستقیم و غیرمستقیم به این حادثه مهم در فیلم‌های سینمایی ضد، مصلحت و ماجرای نیمروز اثری از این مقطع زمانی مهم دیده نمی‌شود. در مقابل اغلب فیلم‌های سینمایی با موضوع انقلاب مفاهیم هویتی خود را در قالب تقابل با گروهک منافقین نمایش می‌دهند، فیلم‌هایی که شخصیت اصلی آن یکی از اعضای گروهک منافقین است مانند «ضد» و «سیانور» یا فیلم‌هایی که شخصیت اصلی در ارتباط با اعضای این گروهک تروریستی قرار دارد مانند «امکان مینا» که در خلال فیلم مضامین هویتی و اعتقادی در آنها عنوان می‌شود.

یکی از عواملی که باعث می‌شود چنین آثاری شاخته نشوند وجود همین جریان‌های نفوذی در حوزه فرهنگ کشور است. دور از واقعیت نیست اگر بگوییم به نظر همین جریان نفوذ است که به‌جای سینمای استراتژیک به سینمای سرگرمی بها می‌دهند

سینمای بدون قهرمان

با این‌که در انقلاب و وقایعی که منجر به وقوع انقلاب اسلامی شد انسان‌های چند بعدی و کاریزماتیکی مانند شهید بهشتی به چشم می‌آیند اما سینمای ایران از ابتدا تا امروز از نداشتن الگو و قهرمان به معنای واقعی خود رنج می‌برد. آدمی در هر دهه‌ای از عمر خود که باشد همیشه به الگو و قهرمان احتیاج دارد تا راهی که می‌خواهد طی کند را گم نکند؛ بنابراین اگر سینمای ما نه‌فقط در موضوع انقلاب که در تمام ابعاد سینما نتواند قهرمان و الگو بسازد، آحاد جامعه ناگزیر الگو و قهرمان خود را در آن سوی مرزها و به روایت دیگران پیدا می‌کند. الگوهایی که از نظر فرهنگی قرابتی با فرهنگ ایرانی-اسلامی حاکم بر جامعه ندارد.

یکی از کارکردهای قهرمان در سینما را می‌توان وحدت‌آفرینی و ایجاد انسجام در جامعه عنوان کرد. اگر به مثال‌های غربی و شرقی از قهرمان نگاهی بیندازیم خواهیم دید که شخصیت‌های نه‌فقط واقعی که حتی کاراکترهای خیالی چنان پرداخته شده‌اند که اعضای جامعه فارغ از سن و اعتقاداتی که دارند روی او اتفاق نظر دارند و همین امر می‌تواند باعث وفاق ملی شود. بااین حال در سینمای ایران گرچه مواد لازم برای ساختن الگوهای حقیقی مانند شهید بهشتی و حتی الگوهای خیالی همچون اسطوره‌های داستان‌های کهن ایرانی وجود دارند.

یک آشنای قدیمی!

عبارت‌هایی مانند نفوذ، نفوذی یا جریان نفوذ شاید عباراتی باشند که چند سالی است زیاد به گوش می‌رسند اما عبارات تازه‌ای نیستند و پیشینه آن تقریبا با عمر تاریخ ایران برابری می‌کند و رد پای آن در حوادث مختلف تاریخ معاصر مانند انفجار دفتر نخست‌وزیری و حادثه هفتم تیر به چشم می‌خورد. موضوع جریان نفوذ به‌خاطر جذابیت ذاتی‌اش دستمایه فیلم‌های بسیاری قرار گرفته و فیلم‌های موفقی با چنین موضوعاتی تولید شده‌اند. فیلم‌هایی مانند ماجرای نیمروز، دیدن این فیلم جرم است، ضد، سیانور و... ازجمله فیلم‌هایی هستند که نفوذ و جریان نفوذ محور اصلی آنها را تشکیل می‌دهد. همچنین فیلم‌هایی نیز هستند که با این‌که به چنین موضوعی نمی‌پردازند اما بحث نفوذی‌ها و کسانی که مانع از رسیدن انقلاب و نظام به اهداف خود می‌شوند در آنها وجود دارد، فیلم‌هایی مانند منصور و مصلحت از این دست هستند.

چنین فیلم‌هایی می‌توانند به‌خوبی جریان نفوذ در کشور را به جوان ایرانی بشناسانند و گفتنی است یکی از عواملی که باعث می‌شود چنین آثاری شاخته نشوند وجود همین جریان‌های نفوذی در حوزه فرهنگ کشور است. دور از واقعیت نیست اگر بگوییم به نظر همین جریان نفوذ است که به‌جای سینمای استراتژیک به سینمای سرگرمی بها می‌دهد.

برش

پلی به سوی نسل جدید

تمام مواردی (هویت‌شناسی، الگوسازی، آشنایی با نفوذ و جریان نفوذ) که پیش از این گفته شد بدون یک داستان پرکشش و جذاب برای مخاطب مشتی مفاهیم سخت‌فهم و حتی شاید در نظر برخی شعاری باشند که اغلب افراد تاب صحبت‌کردن درباره آنها را ندارند. اما سینما این ظرفیت را دارد که حتی پیچیده‌ترین موضوعات را در قالب داستان برای مخاطب ساده‌سازی و ارائه کند. به‌همین‌دلیل تمام موارد ذکرشده اگر در قالب داستانی جذاب قرار نگیرند تمام کاربرد خود را از دست می‌دهند. سال‌های اولیه انقلاب نیز پر از حادثه‌هایی است که می‌توان از ابعاد مختلف به آنها پرداخت و هریک از مفاهیم راهبردی بالا را در آن جای داد و روایت کرد. مخصوصا دهه ۶۰ شمسی که با اوج فعالیت گروهک تروریستی منافقین همراه بود و انواع و اقسام حادثه‌های امنیتی مثل بمب‌گذاری، ترور کور و جنگ‌های اطلاعاتی در آن دوران پیدا می‌شد و بستری مناسب برای خلق داستانی جذاب را روایت می‌کرد. یکی از حوادث امنیتی این دوران حادثه هفتم تیر است که اگر با نگاهی دقیق‌تر به آن نگاه کنیم تمام غایبین سینمای راهبردی انقلاب که در این مطلب به آنها اشاره شد در آن جمع است. بااین حال هنوز فیلمی مشخصا درباره این موضوع ساخته نشده است. خلاصه با وجود این‌که فیلم‌هایی با موضوع انقلاب در سینمای ما کم هم نیست اما همچنان در این حوزه با کمبود فیلم استراتژیک روبه‌رو هستیم؛ فیلمی که صرفا به وقایع تاریخی نپردازد، بلکه این حوادث را بستری قرار دهد تا موضوعات راهبردی مثل هویت‌شناسی یا جریان نفوذ را با نسل جدید آشنا کند، نسلی که از نظر سنی و فکری فاصله زیادی دارد و مطالعه‌اش به صفحاتی در شبکه‌های اجتماعی محدود شده است و سینما شاید تنها پل باقیمانده باشد که بتوان چنین مضامینی را با آن به نسل جدید انتقال داد.

ایستگاه‌نقد

سیدمحمد سلیمانی | منتقد سینما

نگاهی به فیلم «عصب‌کشی» ساخته امیر توده روستا

آن سوی شعبده‌ها

سینمای تجربی ایران از زمانی که امکان ویژه‌ای برای اکران عمومی هرچند به طور محدود و در سئانس‌های اندک پیدا کرده، اقبال بیشتری به ژانر اجتماعی داشته است. به‌همین‌دلیل هم فیلمسازان جوان مستعد فعال در این عرصه با انتخاب شیوه‌های نوین روایتی از یک سو و تجربه در استفاده از امکانات بصری سینما از سوی دیگر، جریانی را پدید آورده است که شاید دغدغه چندانی برای قصه‌پردازی‌های رایج نداشته باشد، ولی به این نکته مهم واقف است که می‌تواند با عبور از ابزارهای بیانی شناخته شده سینمای حرفه‌ای، شیوه‌های روایی تازه و نگاه متفاوت به مضمون را تجربه کند.

«عصب‌کشی» را می‌توان با چشم‌پوشی از شتاب‌زدگی فیلمساز در استفاده از دوربین روی دست در ثبت وقایع مستند داخل مهدکودک در سکانس‌های آغازین و همچنین نگاه سطحی به موضوع حضور مربی مذهبی در مهد و شکل و شمایل فانتزی‌گونه آن، یک اثر نمونه‌ای در پرداختن به یک مسأله مبتلابه اجتماعی درباره نحوه اداره مهدهای‌کودک، بدون رفتن به سمت سینمای شعارگرا و صرفا منتقدانه دانست.

فرآیند تخریب در عصب‌کشی که نوعی نگاه تمثیلی به تلاش برای ریشه‌کن کردن تباهی‌ها دارد، در قالب بازی‌های کودکانه آغاز می‌شود. در آغاز، به ظاهر همه چیز عادی و معمولی پیش می‌رود تا جایی که مخاطب، خسته از تماشای پشت پرده کسالت‌بار برنامه‌سازی‌ها در مهدکودک و درست در جایی که به نظر می‌رسد دیگر انگیزه‌ای برای دنبال‌کردن ادامه ماجرا ندارد، نگاه تجربی فیلمساز کارساز می‌شود و «رهام» یکی از بچه‌های مهد، به چشم ناظر اثر تبدیل و ادامه قصه به نوعی از نگاه او روایت می‌شود. او در عین حال شخصیتی منفعل و صرفا ناظر نیست. نگاه اتفاقی او به وقایع مهد- در اینجا چشمان درشت بازیگر نقش رهام به انتقال مفاهیم ضمنی اثر کمک می‌کند- سبب می‌شود که نوع ارتباط او با دیگر بچه‌های مهد هم تحت تاثیر قرار بگیرد. نگاه ناظر فیلمساز به گفت‌وگوهای بین بچه‌ها و ایجاد فضایی مبتنی بر رفتار هوشمندانه آنها در مجسم‌کردن تعابیرشان از زندگی خانوادگی، شغل و...، رفته‌رفته مخاطب اثر را وارد دنیای جدی‌تر می‌کند و از همین جا، رهام براساس حس کنجکاوی بچگانه، همراه دوربین فیلمساز به جاهایی سرک می‌کشد که وجوه اجتماعی اثر را پررنگ می‌کند. از آنجا که رویکرد فیلمساز در پرداختن به معضلات جاری در مهد، مبتنی بر نقد صریح و ژورنالیستی نیست، دوربین او در ایجاد میزانسن و نشان دادن عکس‌العمل شخصیت‌ها به گونه‌ای عمل می‌کند که در خدمت به تصویر کشیدن نوعی همنشینی بین معصومیت و خشونت در محیط مهد قرار می‌گیرد. سؤال از بچه‌ها درباره گمشدن گردنبند یکی از مادران و دخالت رهام در آن و نوع میزانسنی که فیلمساز برای آن در نظر می‌گیرد، در جایی فیلم را به فانتزی هم نزدیک می‌کند. این فانتزی نه‌چندان سرگرم‌کننده و شاید بسیار جدی‌تر از آن چیزی که در نگاه اول به نظر می‌رسد در مقابل رفتار کودکانه، ولی به‌ظاهر جدی و از قبل برنامه‌ریزی شده رهام در سکانس نمایش پایانی بچه‌ها، به اتفاقی تراژیک جلوه‌هایی عمیق و تفکربرانگیز می‌بخشد. فیلم در عین حال که ظاهرا مروری است بر زندگی روزمره در یک مهدکودک، در واقع تلاشی است برای ورود به وجوه تاریک و ناپیدای آدم‌هایی که در ورای شعبده‌های نه‌چندان پیچیده‌شان، در نهایت چیزی برای پنهان کردن نخواهند داشت.

قاب

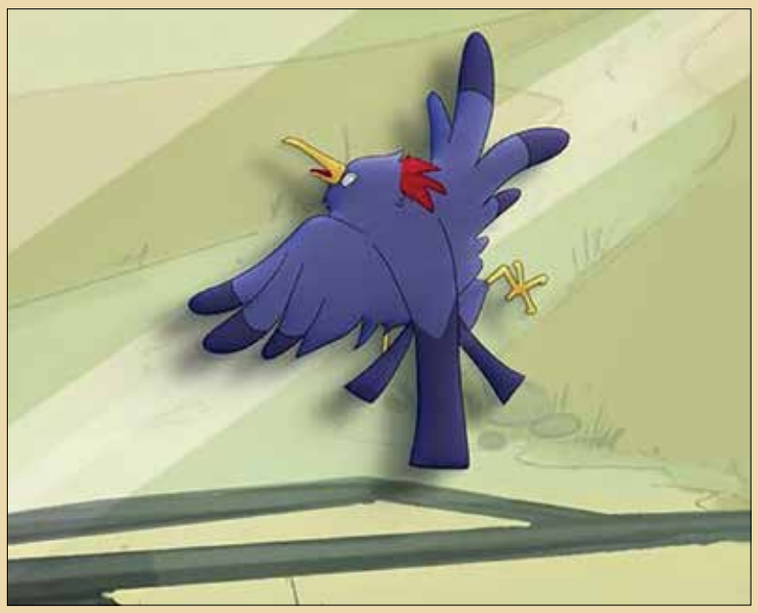

«آتل» مسافر یونان شد

«آتل» به کارگردانی مهدی صدیقی به بخش مسابقه هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم انیمیشن لوترا کی (شب فیلم کوتاه) یونان راه یافت.

داستان این انیمیشن درباره مردی میانسال است که بازویی رباتیک دارد، سوار بر کامیون، در جاده‌ای روستایی در حال تعویض تیرهای چوبی قدیمی چراغ برق با تیرهای بتونی جدید است که....

امسال ۳۱ فیلم منتخب از فرانسه، آمریکا، آفریقای‌جنوبی، کانادا، شیلی، عربستان سعودی، یونان، بوسنی و هرزگوین، استرالیا، کرواسی، انگلستان، ایران، هلند، روسیه، اروگوئه و آلمان در تاریخ ۲۵ جولای ۲۰۲۴ (۴ مرداد ۱۴۰۳) روی پرده می‌رود.

نشست

فیلم‌های کوتاه سیمرغ به نقد رسیدند

جلسه نقد و بررسی مجموعه فیلم‌های کوتاه «سیمرغ» که شامل چهار فیلم «ارفاق» به کارگردانی رضا نجاتی، «شریف» به کارگردانی محمد علیزاده‌فرد، «دآبر» به کارگردانی سعید نجاتی و «برنو» به کارگردانی محمد ثریا روز ۹تیر ساعت ۱۹ در سینما شهر سبز لاهیجان برگزار می‌شود. نواب محمودی، فیلمساز و رئیس انجمن سینمای جوان دفتر لاهیجان به‌عنوان مجری و کارشناس این نشست نقد و بررسی حضور دارد. همچنین از عوامل فیلم‌ها نیز سعید نجاتی، محمد ثریا، محمد علیزاده‌فرد، آرمان فیاض، سیاوش چراغی‌پور، مجید پتکی، هاشم مرادی، رسول علیزاده، رامین پورعبدا...، حسن عسگری، فاطیما نوفلی، علی کشاورز، مهدیه غلامحسینی، مریم‌سادات فاضلی و مهتاب ابراهیمی در این نشست حضور خواهند داشت.

اکران‌های استانی فیلم‌های کوتاه «سیمرغ» از ۲۱ خرداد آغاز و این بسته تاکنون در شهرهای شهرکرد، بم، رودبار، زاهدان، خرم‌آباد و زنجان با حضور فیلمسازان به نمایش درآمده است. اکران بسته فیلم کوتاه سیمرغ با حمایت انجمن سینمای جوانان ایران است و در کنار این اکران‌ها، کارگاه‌های فیلمسازی کارگردانان با حضور علاقه‌مندان برگزار می‌شود.

رویداد

زمان اعلام برندگان نوشتار سینمای ایران

هفتمین جشن نوشتار سینمای ایران به دبیری محمدرضا لطفی سه‌شنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۳ ساعت ۱۸ در ساختمان شماره یک خانه سینما برگزار می‌شود. در این مراسم برندگان بخش‌های چهارگانه شامل بهترین نقد سینمایی، بهترین یادداشت سینمایی، بهترین گفت‌وگوی سینمایی، بهترین ترجمه سینمایی معرفی می‌شوند و تندیس و جوایز خود را دریافت می‌کنند. رامتین شهبازی، مازیار فکری ارشاد، رضا صائمی، امیررضا نوری‌پرتو و محمد هاشمی‌داوری، آثار هفتمین آیین نوشتار سینمای ایران را برعهده داشتند. همچنین در آستانه برگزاری مراسم، پوستر جشن با طراحی فاطمه رسول‌زاده رونمایی شد. رسول‌زاده، طراح گرافیک هفتمین جشن نوشتار سینمای ایران درباره طراحی پوستر این دوره بیان کرد: در طراحی پوستر سعی شده به نحوی ارتباط میان نوشتار (قلم) و سینما (نگاتیو فیلم) به تصویر درآید و نمایانگر این نکته باشد که نوشتار ریشه در جان و تن سینما دارد. همچنین با انتخاب پس‌زمینه‌ای از جنس کاغذ قدیمی همراه با افکت خط‌ها روی نگاتیو، احساس اصالت در نوشتن و سینما را به مخاطب منتقل کند.